

ژورنال

شماره ۹۳۱

۸ ژانویه ۲۰۲۵ - ۱۹ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

سقوط محتوم و زنگ هشدار عراقچی

سیامک بهاری

قانون واقعیت زندگی

عبدل گلپریان

اعدام در جمهوری اسلامی: جنایت علیه بشریت!

محسن ابراهیمی

یک گام به پیش چند گام به پس!

آذر پویا

سقوط محتوم و زنگ هشدار عراقچی

سیامک بهاری

عباس عراقچی: «نباید اجازه دهیم دشمن فضای ناامیدی را در کشور گسترش دهد».

عراقچی در چهارمین جشنواره «کارمند تراز مکتب حاج قاسم»، در میان خودی‌های روحیه‌باخته در تلاش برای وصله کردن دلایل و عواقب شکست فضاحت‌بار سیاست‌های منطقه‌ای، می‌گوید ضربه‌ای که به ارتش سوریه وارد شد قبل از اینکه نظامی باشد، رسانه‌ای و روانی بود. اعتراف آشکار به شکست در جبهه سوریه و مهم‌تر از آن، اعتراف به کابوس ریزش «ارزشی‌ها» و آنچه او

اینک فضای ناامیدی در «خودی‌ها» می‌خواند!

عراقچی دقیقاً می‌داند که ضربه روانی در داخل حاصل کدام معادلات و برآمدهای اعتراضی خواهد بود. اشاره او آشکار به لشکر روحیه باخت‌های است که پس از شکست در جبهه مقاومت، باید به مصاف انقلاب مردم ایران برود او می‌داند که چه ضربه سهمگینی بر پیکر کل حکومت وارد شده است که دیگر قابل پوشاندن نیست! او به عیان خروش خیزش انقلابی زن زندگی آزادی و مصاف آخر را می‌بیند. می‌گوید این زنگ هشدار برای ماست!

ترس و وحشت از سرنگونی سراپای حکومت را فراگرفته است. عراقچی از ذوب‌شدگان در ولایت گرفتار همان کابوسی است که بر سر بیت رهبری

و خامنه‌ای سایه انداخته است. سقوط برق آسای
بشار اسد و هزیمت خفت‌بار ارتش سوریه و دود
شدن جبهه مقاومت و خاکریزهای فروریخته
جمهوری اسلامی و عواقب محتوم شکست در
مواجهه با جامعه معترض و تشنه سرنگونی، که در
مقابل جمهوری صف بسته است، آشکارا تعادل
کل حکومت را به هم زده است.

عراقچی می‌گوید: «دشمن سرمایه‌گذاری وسیعی
روی ضلع سوم یعنی رسانه کرده است.»! روشن
است مردم ایران رسانه آزادی در اختیار ندارند.
مقصود او افکار عمومی جامعه است که جمهوری
اسلامی علی‌رغم هر درجه از توحش و سرکوب
بی‌رحمانه، قادر به کنترل آن نشده است. در واقع
عبارت «رسانه» بیان حقیقت دیگری است، رسانه

اسم رمز حضور اعتراضی خود مردم ایران است.
دشمن حکومت اینجاست! دشمن، خود مردم
ایران‌اند!

رزمایش‌های مکرر لشکرهای سپاه و بسیج برای
مقابله با خیزش عمومی به‌ویژه در تهران، گواه
عملی اعتراف حکومت به کابوس و وحشت محتوم
سرنگونی است. اما آن نیرویی که باید برای مقابله
با مردم به میدان آورده شود، از درون در حال
فروریزی است! سقوط روانی که عراقچی را به
وحشت انداخته، دقیقاً این‌جاست! همان سناریو،
ارتشی که برای بشار اسد نجات‌بخش و هزیمت‌گرد،
این بار در تهران رقم خواهد خورد!

قانون واقعیت زندگی

عبدل گلپریان

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری همراه با گروهی از کارگران بازنشسته خوزستان به تاریخ ۱۷ دی در بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند:

”شعارها و خواست‌هایمان را درست برگزینیم و دروغ‌های حاکمیت و سرمایه‌داران را افشا کنیم. بیان خواست‌هایمان به معنی حق است. این بیان حق است که بازنشستگان را به خیابان کشانده که فریاد می‌زنند، ”تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم

” به گفته دیگر آگاهی از حق و بیان آن است که اعتراض را به وجود می‌آورد و مبارزه را سازمان می‌دهد. اعتراض ما ریشه در واقعیت زندگی ما دارد؛ بنابراین زندگی کردن در سطح متوسط جامعه حداقل حقی است که کارگران و زحمت‌کشان باید از آن برخوردار باشند. باید به دولت، به وزیر و وکیل و به کل حاکمیت بگوییم قانونی را که هیچ تغییر مثبتی در زندگی ما ایجاد نکند و برعکس ما را از رسیدن به زندگی بهتر ممانعت می‌کند، نمی‌پذیریم و به همین دلیل قانون واقعیات زندگی خود را مبنای حرکت و عمل خود قرار دهیم.“

این بیانیه کیفرخواست این تشکل‌ها علیه حکومتی است که فقر، نداری و بی‌حقوقی را به زندگی میلیون‌ها انسان در ایران تحمیل کرده است. این

بیانیه به درست ضرورت مبارزه‌ای سازمان‌یافته
برای حق و حقوق پایمال شده را امری اجتناب‌ناپذیر
می‌داند.

همان‌گونه که این بیانیه تأکید کرده است، قوانین
حاکمیت برای تباهی زندگی آحاد جامعه و غارت
هستی و دسترنج مردم تدوین شده است. قانون
واقعیت زندگی که این بیانیه آن را به‌عنوان مبنای
حرکت و عمل این تشکل‌ها نام برده است، چیزی
جز دست‌یابی به منزلت، معیشت و کرامت انسانی
نیست و دست‌یابی به این قانون انسانی هم جز
از طریق مبارزه‌ای سازمان‌یافته و متشکل علیه
حاکمیت و باندهای چپاولگر اسلامی میسر نیست.

از این بیانیه باید وسیعاً حمایت کرد. ورشکستگی

و به هم‌ریختگی دستگاه حاکمیت از یک سو و از سوی دیگر غارت هستی مردم توسط باندها و دستجات همین ساختار در حال سقوط، ادامه وضع موجود برای کل مردم را غیرممکن کرده است. حکومت اسلامی در مسیر فروپاشی قرار دارد. باید با تمام قدرت به میدان آمد و به ۴۵ سال تباهی و بی‌حقوقی مشتی انگل اسلامی و مفت‌خور پایان داد.

اعدام در جمهوری اسلامی: جنایت علیه بشریت!

محسن ابراهیمی

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل با "ابراز نگرانی از افزایش اعدام‌ها" در ایران گفت که جمهوری اسلامی در سال گذشته میلادی دستکم ۹۰۱ نفر را اعدام کرده است. بیشتر این موارد مربوط به مواد مخدر بوده و معترضین سال ۱۴۰۱ نیز در میان اعدام‌شدگان سال گذشته هستند.

خبر دوم: سایت حقوق بشر هرانا اعلام کرده است که دستکم ۵۴ زندانی با اتهامات سیاسی یا امنیتی زیر حکم اعدام هستند. اتهام عمده آنها "بغی" است که واژه قضایی اسلامی برای "شورش مسلحانه" یا "قیام علیه حکومت" است!

یکی از مصداق‌های اتهام ”بغی، کولبرانی هستند که در سرما و گرما بارهای سنگین حمل می‌کنند تا لقمه نانی برای زنده‌ماندن تهیه کنند و تعداد زیادی از آنها توسط قاچاقچیان حاکم در ایران کشتار می‌شوند! یکی دیگر از مصداق‌ها پخش‌شان عزیز است که به خاطر فعالیت‌های بشردوستانه در اردوگاه‌های آوارگان تهاجم داعش در شمال شرق سوریه به جرم ”بغی“ به اعدام محکوم شده است.

حکومت اسلامی حتی اگر در دهه شصت هزاران زندانی را قتل‌عام نمی‌کرد؛ حتی اگر در هر خیزش مردم علیه حکومت تعداد زیادی را به گلوله نمی‌بست؛ حتی اگر هواپیمای مسافربری را به موشک نمی‌بست؛ حتی اگر به

چشمان معترضین شلیک نمی‌کرد؛ حتی اگر به دانش‌آموزان معترض حمله شیمیایی نمی‌کرد و ده‌ها جنایت دیگر را مرتکب نمی‌شد، همین اعدام قریب ۱۰۰۰ انسان فقط در یک سال، برای محاکمه سران حکومت اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت کافی بود!

حکومت اسلامی قبلاً از طرف نهادهای بین‌المللی از جمله دیده‌بان حقوق بشر به جنایت علیه بشریت محکوم شده است. این مهم است اما فقط محکومیت جنایت‌کاران حاکم در ایران کافی نیست. حتی گرفتن جان فقط یک انسان جنایت است چه برسد به اینکه فقط در یک سال جان و زندگی نزدیک هزار انسان، هزار مادر یا پدر، هزار فرزند، هزار همسر یا دوست یا همکار

و هم‌کلاسی توسط مثنی سایکوپت آدم‌خوار
اسلامی نابود شوند!

باید تلاش کنیم هر نهاد مدافع حقوق بشر، هر
نهاد مخالف اعدام، هر نهاد مدعی احترام به
زندگی انسان‌ها با مردم ایران که برای نابودی
حکومت اعدام به‌پاخاسته‌اند، با جنبش علیه
اعدام در ایران، با کارزار "سه‌شنبه‌های نه به
اعدام" که زندانیان سیاسی در قریب ۳۰ زندان
پیش می‌برند اعلام همبستگی کنند و خواهان
محاكمه سران حکومت در دادگاه‌های بین‌المللی
شوند.

یک گام به پیش چند گام به پس!

آذر پویا

داستان رودروئی زنان با جمهوری اسلامی داستان یک گام به پیش و چند گام به پس جمهوری اسلامی است. لایحه‌ای بنام لایحه عفاف و حجاب را مدت‌هاست دست به دست می‌کنند، سبک‌سنگین می‌کنند تا شاید فرصت مناسبی به دست آورند و آنرا اجرائی کنند. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت که اخبار حضور زنان بدون حجاب را به دقت دنبال می‌کند متوجه شده است که زنان گوش شنوایی برای اراجیف ایشان ندارند، هر روز با لبخندی کزیده در مدیای اجتماعی ظاهر می‌شود و از اجرائی نکردن این لایحه با افتخار سخن‌فرسایی کرده و

در مورد علت به تعویق افتادن این لایحه می گوید:
”برخی مفاد این قانون می توانست تبعات اجتماعی
سنگینی داشته باشد و با همین ملاحظات و با
خردمندی به تعویق افتاد“. این در حالی است که
قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی می گوید
دلیل ابلاغ نشدن قانون حجاب تصمیم شورای عالی
امنیت ملی بود.

این دیگر به تعویق انداختن یک لایحه نیست این
اقرار به شکستی است که زنان با حضور فعالشان
در جامعه به رژیم متحجری تحمیل کرده اند که
راه گریزی ندارد. این رویکرد نه تنها باعث فتح
خاکریز حجاب شده است بلکه به هم ریختگی
صفوف سران حکومت راهم تشدید کرده است.

رویاری زنی با جمهوری اسلامی دیگر نه یک
اعتراض ساده و نه حتی مبارزه برای احقاق
حقوقشان است بلکه عصیانی آگاهانه و طوفانی
است که نه تنها حجابها را به باد داده است
بلکه می‌رود که کل بنیاد نظام جمهوری اسلامی
را از جا برکند. آخرین نمونه این عصیان را در
فرودگاه مهرآباد شاهد بودیم، زنی که بعد از تذکر
دلچک امریه معروف، عمامه از سرش می‌گیرد و به
تمسخر آنرا به جای شال روی سر خودش می‌گذارد.
نمونه‌های دیگر را هم قبلاً آهو دریائی و پرستو
احمدی و صدها زن دیگر به اشکال مختلف به
نمایش گذاشتند.

توصیه ما به خانم سخنگو و تمام کسانی که به جز تمرکز روی موی زنان هیچ مشغله دیگری ندارند این است که بیشتر از این خود را سکه یک پول نکنید. اگر شما از دیدن تار موی زنان دچار "گناه" می‌شوید مشکل جنسی - روانی‌تان را درمان کنید. اشکال از خودتان، مذهب‌تان و از صندلی‌های قدرتی است که برای دزدی و چپاول به آنها احتیاج دارید. تا دیر نشده فکری به حال خود کنید و بیاد داشته باشید که با هیچ حربه‌ای حریف زنان نخواهید شد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال